

فیل و اژدها

تجولات در غول اقتصادی نوظهور هند و چین

نویسنده:

روبین مردیت

برگرداننده به فارسی:

غلامحسین خانقایی

Meredith, Robyn

سرشناسه: مردیت، روبین

عنوان و نام پدیدآور: فیل و اژدها: تحولات دو غول اقتصادی نو ظهور هند و چین / نویسنده روبین مردیت؛

برگرداننده به فارسی غلامحسین خاتقایی

مشخصات نشر: تهران - نشر فرا، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۳۷۴ ص.

شابک: 978-600-6092-10-2

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت:

عنوان اصلی: The elephant and the dragon: the rise of India and China and what it means for all of us, c2007

موضوع: الف. جهانی شدن ب. هند - روابط اقتصادی ج. هند - اوضاع اقتصادی - قرن ۲۱ د. چین - اوضاع اقتصادی -

۲۰۰۰ م. ه. چین - روابط اقتصاد و. ایالات متحده - اوضاع اقتصادی - قرن ۲۱ ز. ایالات متحده - روابط اقتصادی

سناسه افزوده: خاتقایی، غلامحسین، ۱۳۲۸، مترجم

رده بندی کنگه: ۱۳۹۱ ۴۹۹/۳/۴۳۵ HC

رده بندی دیویی: ۳۳۰.۹۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۲۰۰۶۰

نام کتاب: فیل و اژدها

نویسنده: روبین مردیت

مترجم: غلامحسین خاتقایی

ویراستار علمی: دکتر فریبا لیفی

صفحه آرای: نرگس میرصانع

طراح جلد: آزاده شبانی

فرایند چاپ: امیر تاجیکی

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۷۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۹۲-۱۰-۲

ISBN 978-600-6092-10-2

ناشر: فرا

نشانی: تهران، خیابان ولی عصر، مقابل پارک ساعی، پلاک ۲۳۶۴ - پستی ۱۴۳۴۷

دورنگار: ۸۸۸۸۰۷۰۲

تلفن پخش و فروش: ۸۸۸۸۰۷۰۰-۱

پست الکترونیک: info@fara.ir

چاپ: طیف نگار

ناشر از همکاری بانک اقتصاد نوین در چاپ این کتاب به منظور کمک

به توسعه فرهنگ مدیریت در کشور قدردانی می‌کند.

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۹	مقدمه ناشر
۱۱	پیش‌گفتار
۲۱	فصل اول: محل تلاقی مائو و طبقه متوسط
۶۱	فصل دوم: از دوک نخ‌ریسی تا رشته‌های فیبر نوری
۹۵	فصل سوم: کالاهای ساخت آمریکا در چین
۱۲۵	فصل چهارم: جاده ادویه‌ای اینترنتی
۱۶۵	فصل پنجم: سطر و ستون منقطع چندملیتی
۲۰۱	فصل ششم: انقلاب فرهنگی هند
۲۳۹	فصل هفتم: انقلاب به هم‌مانی ششم
۲۷۵	فصل هشتم: ژئوپولیتیک همراه با نفت و آب
۳۲۳	فصل نهم: تسهیل‌گری برای رقابت
۳۶۹	سخن پایانی

تجربه مدرسه خوبی است ولی شهریه آن گران است.

تجربه‌ها آسان و ارزان به دست نمی‌آیند و گاه ممکن است یک تجربه به قیمت عمر یک انسان و یا سرنوشت ملتی تمام شود. ولی آموختن از تجربیات دیگران می‌واند راهی کم‌هزینه‌تر باشد.

در رازای تاریخ، ملت‌ها و کشورها همه سخت کوشیده‌اند تا زندگی مردم خود را بهبود بخشند و سلامتی، سرفرازی، خوشبختی و شادکامی و در یک کلام تودمه را برای آنان به ارمغان آورند؛ و در این میان برخی پیروز بوده‌اند و برخی ناکام. ساندن هر شمندانه است که تجربیات پیروزمندان را خواند و چراغ راه قرار داد.

بنا به تعریفی، عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی کیفیتی فکری و اجتماعی است که بر اثر آن ملتی نمی‌تواند از منابع خود به نحوی مطلوب استفاده نماید. چین و هند دو کشور توسعه‌نیافته به سده اخیر توانسته‌اند موانع فکری و اجتماعی کشورشان را پشت سر گذارند. منابع خود را در مسیر توسعه قرار دهند. این دو کشور با جهشی شگفت‌انگیز در اقتصاد نوظهور را تشکیل داده‌اند که سریع‌ترین رشد را در میان اقتصادهای بزرگ جهانی داشته‌اند و پیش‌بینی می‌شود که در دهه‌های آینده به غول‌های اقتصادی جهان تبدیل شوند.

کتاب «فیل و اژدها» گزارش و روایتی است از قصه تحول دو کشور هندوستان و چین و نحوه تغییر سرنوشتشان و چگونگی تحول و دگرگونی جهان توسط آن‌ها.

نویسنده با ارایه داده‌های آماری دقیق، تصویری واضح و کامل از گذشته، تحول اقتصادی و اجتماعی چند دهه‌ی اخیر، و آینده‌ی این دو غول اقتصادی

ارایه می‌دهد؛ گزارشی که به‌طور قطع می‌تواند برای بقیه‌ی کشورها راه‌گشا باشد.

در دوره بیست‌وهفت ساله حکومت مائو، چین به ویرانه‌ای اقتصادی تبدیل شده بود و مردم چین به صورت فقیرترین مردم جهان درآمدہ بودند. ولی در دهه هشتاد رهبران چین در نگاهی به بیرون، و با بهره‌گیری از مدل توسعه سنگاپور، ژاپن بعد از جنگ، و کره، به رشد و توسعه اقتصادی مطلوب و صادرات‌محور دست یافته، و برای میلیون‌ها چینی فقیر و گرسنه شغل و رفاه به ارمغان آوردند.

به دوستای نیز با یک دهه تاخیر، چین را الگو قرار داد و توانست خود را در مسیر توسعه سریع قرار دهد.

سازمان فرهنگی نوا بر آن شد تا با ترجمه و انتشار این کتاب ارزشمند، تجربه این دو کشور را در اختیار مدیران ایرانی قرار دهد تا در مدرسه‌ای خوب را با شهریه‌ای نه‌چندان بران به دانش‌خواندگانش بگشاید. امید است که دانش‌پژوهان این مدرسه، طلاب ایران توسعه و پیشرفت کشور باشند و در این مسیر پند لویی پاستور را آویزه گوش داشته باشند که:

«تمدن، تنها زاینده اقتصاد برتر نیست. سر هنر و ادب و اخلاق هم باید متمدن بود و برتری داشت».

دکتر فریبا لطیفی

مدیرعامل

پیش‌گفتار

تحولات اقتصادی دگرگون‌ساز

در ژوئن سال ۲۰۰۳ آقای آتال بیهاری واجپایی، نخست‌وزیر هند، به یک سفر تاریخی به چین دست زد. در سفر قبلی او که حدود یک دهه پیش از آن روی داده بود، چین کشوری با هزاران دوچرخه‌سوار و ساختمان‌های کسل‌کننده بود که تقلا می‌کردند پیش از آغاز قرن بیست‌ویکم اقتصاد آن را به زور به قرن بیستم وارد کنند. ولی این بار، درحالی که هواپیما ارتفاع خود را کم می‌کرد تا زمین بنشیند، او شاهد چیزی بود که دست‌کمی از معجزه نداشت: هزاران کارخانه که تقریباً همه آن‌ها در ده سال گذشته ساخته شده بودند، شهر را در اغوش گرفته بودند؛ کارخانه‌هایی که هر یک صدها نفر را حقوق می‌داد. و رویان‌گسده یک زندگی بهتر را برای آن‌ها و خانواده‌هایشان تعبیر می‌کرد. چین مستقیم و میان‌بر از گذشته به آینده پریده بود!

با نشستن هواپیما به زمین، او به یک فرودگاه نو مدرن گام گذاشت، که تعداد زیادی از آن‌ها پذیرای مسافران آن کشور بودند... نخست‌وزیر و هیأت همراه او در مسیر شاهراه نوسازی که فرودگاه را به شهر متصل می‌کرد، شاهد هزاران کارگاه ساختمانی بودند که چراغ‌های آویخته به صدها جرثقیل ساختمانی آن‌ها در چشم‌انداز شهر سوسو می‌زدند. پکن پر از بلوارهای پهن بود که در گوشه کنار آن‌ها آسمان‌خراش‌های تازه‌سازی سر برآورده بودند که بیش‌تر آن‌ها در ده سال گذشته ساخته شده بودند؛

دورانی که اقتصاد این کشور سریع‌تر از همه اقتصادهای مدرن به رشد و توسعه دست یافته است. تصویر شهر از خودروی حامل آقای واج‌پایی گویای واقعی بود که صرف آمار و ارقام قادر به القای آن نبود: این که چین هند را پشت سر گذاشته است!

چندین دهه بود که اقتصادهای چین و هند همپای هم، جدا از بقیه‌ی جهان و فراموش شده توسط سایر کشورها، با سختی و مشقت زیاد قوت می‌گرفتند. برای شهروندان خود دست‌وپا می‌کردند. مردم این کشورها فقیر بودند و امید زیادی به زندگی بهتر نداشتند. ولی در سال ۱۹۷۸ چین درهای خود را به روی جهان خارج گشود و هند این کار را نکرد، و در نتیجه سرنوشت آن‌ها کاملاً از هم فاصله گرفت.

زمانی که واج‌پایی، هیلت و همراه او از چین بازدید می‌کرد، یک ربع قرن از شروع تحول چین گذشته بود، و اقتصاد آن کشور با رشد انفجاری خود زندگی و آینده صدها میلیون چینی را به‌طور اساسی بهبود بخشیده بود. شرکت‌های خارجی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار از سال ۱۹۷۸ در آن کشور سرمایه‌گذاری کرده بودند - که خیلی از منابع سرمایه‌گذاری ایالات متحده برای نوسازی اروپای پس از جنگ پیش‌تر بود. این سرمایه‌گذاری‌ها موجب ظهور صدها هزار کارخانه در سراسر کشور و استخدام ده‌ها میلیون نفر کارمند و کارگر شده بود. اکنون کارگر متوسط چینی حدود پنج برابر بیش از زمان شروع اصلاحات درآمد داشت، و میلیون‌ها چینی صاحب تلفن همراه، رایانه، و حتی خودرو و آپارتمان بودند. در مقابل، به نظر می‌رسید که هند در گذشته زمین‌گیر شده است. چهل پنجاه سال از عمر فرودگاه‌های این کشور می‌گذشت، و همه آن‌ها

در حال ویرانی بودند. هیچ شاهراه جدیدی در کشور ساخته نشده بود - و خیابان‌های در هم تنیده و پرچاله‌چوله آن با خطوط درهم برهم و بدنمایی خط‌کشی شده بودند. مردم فقیر شهرها در محله‌های کثیفی زندگی می‌کردند، و در کانال‌های آلوده‌ای که در عین حال نقش توالی عمومی را بازی می‌کرد حمام می‌کردند و ظرف و لباس خود را می‌شستند. هند در سال ۱۹۹۷، سیزده سال پس از بازگشایی درهای اقتصاد چین، با اکراه و کم‌کم به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه ورود داد، و سپس دست به اصلاحات جسته‌بخته و برنامه‌ریزی نشده‌ای زد. درست است که وضعیت یک نفر هندی متوسط بهتر از زمان شروع اصلاحات اقتصادی شده بود، ولی این بهبود وضع به اندازه بهبود وضع یک چینی متوسط نبود.

بیست‌وپنج سال پس از شروع اصلاحات چین، تفاوت وضع دو کشور بسیار زیاد شده بود. درآمد چینی‌ها به دو برابر درآمد و مزد هندی‌ها افزایش یافته بود. با وجودی که هر دو کشور هنوز فقیر بودند، ولی در سال ۲۰۰۴، هشتادونه درصد چینی‌ها بالاتر از خط فقر روزی یک دلار قرار داشتند، درحالی‌که این نسبت در هند ۵۰ درصد بود. کل سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در هند، در سال مالی منتهی به مارس ۲۰۰۷ فقط ۱۵/۷ میلیارد دلار بود؛ درحالی‌که آن‌ها هر سال بیش از این مقدار در چین سرمایه‌گذاری می‌کردند. درحالی‌که اقتصاد هند لنگان‌لنگان خود را به جلو می‌کشید، چین به آینده پرواز می‌کرد.

چگونه این اختلاف وضعیت ممکن شد؟ هند دموکراسی داشت، تعداد بسیار زیادی از جمعیت آن انگلیسی صحبت می‌کردند، نظام قضایی

پابرجایی داشت، و روابط بسیار زیادی با غرب. درحالی که در چین نظام اقتدارگرایی حاکم بود، تعداد کمی از جمعیت آن انگلیسی صحبت می کردند، و هیچ قانون و قاعده مشخصی نداشت. ولی آقای وایپای این تفاوت را به وضوح از داخل خودروی حامل خود می دید: چین در این مسابقه، خرگوش وار هند لاک پشت مزاج را پشت سر گذاشته بود، و در سیح مردم آن از وضع بسیار بهتری بهره مند شده بودند.

این کتاب گزارشگر روایتی است از قصه تحول این دو کشور (فیل و اژدها)، و نحوه تعبیه سرنوشتشان، و چگونگی تحول و دگرگونی جهان توسط آن ها. چین و هند مسیر توسعه و پیشرفت، و خروج از گروه کشورهای در حال توسعه به سوی موقعیت ابرقدرتی، روش و منش متفاوتی دارند: به این معنا که راهکار آهسته و پیوسته هند در تضاد کامل با عروج موشکوار چین قرار دارد. در بسیاری موارد دیگر نیز تفاوت و تضاد چین و هند به اندازه تضاد و تفاوت کاندی و وایپای است. نظام سیاسی هند دموکراتیک، و نظام سیاسی چین دیکتاتورانه و اقتدارگراست. هند سرمایه دار (کاپیتالیست) معمولاً ضدکسب و کار است، در چین کمونیست معمولاً چندکسب و کاره. هند بی نظم مجموعه متنوعی از رنگ های روشن، و ملتی چندصدایی با سی زبان متفاوت است. حتا منطقه زمانی ملی آن نیز گیج کننده است: به این معنا که نیم ساعت با مناطق زمانی سایر نقاط جهان فاصله دارد؛ بنابراین زمانی که در نیویورک ظهر است در بمبئی ساعت نه ونیم شب است. درحالی که به نظر می رسد وضع چین سراسرتر

است: زبان ملی آن چینی ماندارین است، ساعت‌های آن هماهنگ با ساعت بقیه دنیا حرکت می‌کنند؛ و لازم به گفتن نیست که حزب کمونیست نیز اداره آن کشور را بر عهده دارد.

در حالی که توانمندی‌های چین آشکارا در پیش چشم آقای واج‌پایی و بقیه جهان خودنمایی می‌کند، بسیاری از توانایی‌های هند کم‌تر به چشم می‌آیند. زمانی که چین در خلال انقلاب فرهنگی دانشگاه‌های خود را بسته، هند به تقویت این نهادها پرداخت، و نسلی از دکترها، پژوهشگران، دانشمندان، و مهندسين را پرورش داد. زمانی که چین سرمایه‌داران خود را آزار و اذیت می‌کرد، مدیران هندی با رقابت در بازارهای داخلی تجربه‌اندوژی می‌کردند. در نتیجه در حال حاضر کسب‌وکارهای آن‌ها بهتر از کسب‌وکارهای چینی اداره می‌شوند. هم‌اکنون که هند با اقتصاد جهانی تجدید رابطه کرده، ریشه سخت‌انسانی نادیدنی آن به‌صورت منبع عظیم ملی آن درآمده است.

به هر حال این دو کشور دارای یک وجه مشترک هستند: تحول آن‌ها - و چگونگی تحول جهان توسط آن‌ها - از هر تحولی که جهان از زمان ظهور آمریکا در صحنه اقتصاد جهانی به خود دیده گیج‌کننده‌تر است. تاثیر این تحول را می‌توانیم در کاهش قیمت‌های اجناس در قفسه‌های فروشگاه‌های وال‌مارت، افزایش قیمت در ایستگاه‌های گاز، کاهش قیمت شدن مبلغ فیش حقوقی بسیاری از آمریکایی‌ها، و حتا در هوایی که نفس می‌کشیم مشاهده کنیم. این تاثیر را می‌توانیم در انتهای گفتگوی تلفنی مردم بشنویم.

و بالاخره، این تاثیر در حرکت سنگین کشتی‌های باربری که در دریای جنوبی چین حرکت می‌کنند و مالا مال از کالاهای ساخته شده در کارخانه‌های چین هستند، نمودار است. و صریح‌تر از همه، این تاثیر را می‌توانیم در آمارها و ارقام خام اقتصادی مشاهده کنیم: چین و هند سریع‌ترین رشد را در میان اقتصادهای بزرگ جهان داشته‌اند. به نظر می‌رسد که این دو کشور در دهه‌های آینده نیز این وضعیت را حفظ خواهند کرد و در نسل آینده به غول‌های اقتصادی جهان تبدیل خواهند شد.

به ناگهان چین و هند به صورت منبعی از کارکنان، کارگران همکار، مشتریان، و رقبای درآمده‌اند. در سالن‌های غذاخوری از نیویورک به توکیو و از لندن به فرانکفورت، مدیران اجرایی شرکت‌ها به همان طریق که دهه گذشته تب چینی می‌گرفت، اکنون تب هندی می‌گیرند. رهبران کسب و کار که فرق بین ادویه‌های مخفف هندی را نمی‌دانند، در حال بررسی هتل‌های نوساز پنج‌ستاره‌ای هستند که در عین زیبایی و فریبندگی آن‌ها، باید برای این که مریض نشوند با آب بطری دندان‌های خود را مسواک بزنند. آن‌ها نصف کره زمین را می‌گردانند زیرا این دو ملت نوظهور با چنان سرعتی در حال رشدند که اقتصادی امپراتوریه‌ای اروپا، و ژاپن در مقابل آن‌ها ایستا و ساکن به نظر می‌رسند. به ناگهان انجام کسب و کار در چین و هند به صورت تنها امید شرکت‌های غربی‌ای درآمده که مصمم‌اند به سرعت به تعداد مشتریان خود بیفزایند - و از تنها راه خوشحال کردن سهام‌داران خود بهره‌مند گردند.

به احتمال زیاد شدیدترین تغییرات در بازار یک‌پارچه جهانی مشاغل به‌وجود آمده است. تا همین اواخر (تا دهه ۱۹۹۰) نگرانی فعالان اقتصادی این بود که جهانی شدن موجب زیان فقرا شود. ولی نگرانی و دغدغه آن‌ها در مورد چین و هند به‌شدت غلط از آب درآمد. به‌طور قطع قصد و نیت سرمایه‌سالاران (کاپیتالیست‌های) آمریکا و سایر کشورها کمک به ستمدیدگان آسیا نبود، ولی آن‌ها ناخودآگاه این کار را کردند. در دهه گذشته صد میلیون هندی و چینی به‌علت مشاغلی که جهانی شدن بر سر راهشان قرار داد از فقر محض نجات یافتند - مشاغلی که مزد آن‌ها از نظر کارگران غربی به‌نحو وحشتناکی ناچیز است. در کمال شگفتی کسانی که نگران فقر در جهان هستند (و کسانی چون گاندی، نهرو، مائو، و سایر سیاست‌مداران قرن بیستم که سعی می‌کردند از فقرا در مقابل کسب‌وکارهای بزرگ حمایت کنند) جنبش و حرکت جهانی مشاغل صدها میلیون انسان را از باتلاق فقر رهایی دادند. نجات داده است. در نتیجه این جنبش در حالی که کشورهای پیسرفته‌ای نظیر ایالات متحده، ژاپن، و بریتانیا مشاغل بسیاری را از دست داده‌اند، کشورهای در حال توسعه به مشاغل زیادی دست یافته‌اند. به همان اندازه که جهانی‌سازی طبقه متوسط آمریکا و اروپا را زیر فشار قرار داده برای فقرا، این کشورها نعمت و راحتی به همراه داشته است.

در این کتاب بررسی می‌کنیم که چگونه توانایی ارتباط با این کارگران آسیایی از طریق کلیک یک موشواره یارانه، روش انجام کسب‌وکار را در جهان تغییر داده است. میلیون‌ها شغل سرتاسر جهان را می‌گردند تا به کارگران هندی و چینی‌ای برسند که حاضرند همان کار کارگران غربی -

حتا کارهای تخصصی یقه سفید - را با حقوق بسیار کم تر انجام دهند. بسیاری از کارگران و کارکنان حرفه ای غربی به ناگهان دریافتند که دیگر نمی تواند انتظار داشته باشند ده برابر کارگران حرفه ای مشابه در کشورهای در حال توسعه حقوق دریافت کنند. فارغ التحصیلان کالج در هند از این که شغلی در مراکز تلفنی خدمات پس از فروش شرکت های آمریکایی به دست می آورند و به شکایت های مشتریان آمریکایی پاسخ می دهند، خشمگین و خوشحالند. در عین حال، ده ها میلیون چینی جوان دهکده ها، خود را برای کار در کارخانه های شهرهای بزرگ و اقامت در خوابگاه های این کارخانه ها ترک می کنند تا لباس و دوربین دیجیتال و رایانه برای خارجی ها دسترس کنند. حتا متخصصین عالی رتبه آمریکایی و اروپایی نیز اکنون برای گرفتن یک شغل مناسب با رقابت متخصصین نشسته در کشورهای دور روبه ر هستند: تعداد فارغ التحصیلان چینی و هندی که هر ساله به نیروی کار جهان اضافه می شوند بیش از جمع فارغ التحصیلان اروپایی و آمریکایی اضافه شده به این نیرو می باشد.

این وضعیت نماد نیمه بسیار تاریک و ترسناک جهانی سازی برای طبقه متوسط آمریکایی و اروپایی است. به علت ورود یک باره بیش از یک میلیارد کارگر به مخزن نیروی کار جهانی، بسیاری از غربی های بدشانس مشاغل خود را از دست می دهند، و بسیاری از ایشان می بینند که تنها در صورتی قادر به حفظ استانداردهای زندگی خود هستند که بتوانند با افزایش قابلیت های خود از قدرت رقابت بیش تری در بازار کار برخوردار شوند. انقلاب صنعتی قرن نوزده کشاورزان را از موقعیت برتر خود به زیر کشید. کارگرانی که با سختی و مشقت در کارگاه ها کار می کردند، در قرن

بیستم جای خود را به خطوط مونتاژ دادند، و درست یک نسل قبل بود که به علت انتقال کار یقه‌آبی آمریکا به مکزیکو کارخانه‌های آمریکا بسته شدند. اکنون نیز تاریخ، با ارسال یک موج هیجانی در بازارهای شغلی جهان، در حال تکرار است.

به هر حال، باید بگوییم که ظهور چین و هند حاکی از واقعیتی بسیار فراتر از انتقال جهانی، مشاغل است: این پدیده حاکی از تحول عمده‌ای در ژئوپولیتیک پس از جنگ سرد، عطش و تقاضای فزاینده برای نفت، و تحول عمده زیست‌محیطی است. ما در اینجا با تحولات اقتصادی دگرگون‌سازی روبه‌رو هستیم: چین و هند جدید با ظهور خود در حال دگرگون کردن وضعیت اقتصادی، سیاسی کل جهان هستند.

با توجه به این که امروزه رشته‌های اقتصاد جهانی بیش از هر زمان دیگری در هم تنیده‌اند، تحولات هند و چین با سرعت و به نحو شگفت‌انگیزی آینده بقیه جهان را شکل می‌دهد. هرگز در گذشته بازار جهانی چنین بافت منسجمی نداشته است؛ تصور کنید چه می‌شد اگر تجارت انبوهی که در جاده ابریشم در جریان بود با تجارت جاده ادویه ترکیب، و این مجموعه تجارت جهانی با فن‌آوری جدید تجهیز می‌شد. امروزه محصولات هند و چین دیگر با شتر و کشتی‌های بادبانی به غرب حمل و فروخته نمی‌شوند، بلکه برای این کار از هواپیماهای باری، کشتی‌های کانتینربر، و یا اینترنت استفاده می‌شود.